



مفهوم شناسی جهاد اسلامی، در مبانی سیاست مدرن

بند ظواهر و احکام بیدون حکمت و تزریق آن در افکاری بدوی جامعه مسبب عقب ماندگی و نقض بشری است که قطعاً در فرجام این ایده ها، در تضاد و محکومیت سرشت دین قرار می گیرند، و بعید نیست که گویم دین اسلام به سبب جدید بودنش، منبع فیاض بر رنسانس در غرب بود و اکنون متحجران از عدم فهم دین، جوامع مسلمین را به قرون وسطا یا دوره تاریک اورپا مبدل ساخته اند، درک و عمق مولفه های اسلام تیتیر یا عنوان بر سیاست مدرن و حل منازعات به منظور صلح پایدار در افغانستان است، البته صلح پایدار در بستر های از جامع و اصول حاکم آن منشاء می گیرد، نه وارد از پی قرارداد یا معاهده که منافع بیرونی حرف اول را گوید.

از این جهت در نخست بایستی حکمت و مفهوم جهاد اذعان شود تا نسخه برگرفته شده یا جدا شده از اسلام یعنی جهاد به مفهوم گروه اسلامی امروزی که در حیطه آن افراطیت دین، در جهت ترویج و تزریق وحشت و دهشت، بطور روزافزون در جوامع بشری الخصوص افغانستان قربانی انسانی می گیرد.

ریشه یابی واژه جهاد یعنی جهد، کوشش، مجادله ویا تحقیق و پژوهش که، اگر به حکمت عقل به این ارزش مقدس وارد شد، بیدون شک در تفسیر حدیث مشهور آنحضرت صلوات علیه پرداخته ایم که بعد از پیروزی در جنگ بدر ارشاد داشته اند: سیر نمودیم از جهاد اصغر به جهاد اکبر، که بعد از پرسش گفتند: جهاد اکبر یعنی جهاد علیه نفس یا من مردود یا غلبه نمودن نفع خصوص بر عمومی که از عدم آن، از تمامی ارزش های اسلامی به گونه ابراز تا هدف شخصی یا گروهی شان استفاده می کنند، از این جهت حکمت جهاد به منظور گسترش پیام اسلام از مبانی جهاد اکبر یعنی صیقل نمودن قلب از بندش های باطنی و ایجاد فضای حکومت داری دنیایی به اهل خرد، دست یافتنی تر و تکریم است به سرشت متعالی انسانی، که بیدون شک خونریزی و نقض بنیادین بشری فرسنگ ها دورتر از حکمت و مفهوم شناختی جهاد است.

اخوان المسلمین و دیگر گروه افراطی جهادی اسلامی از نظریه های چون ابن تمیمه، سید قطب و محمد بن وهاب الدین نجدی متأثر می باشند، بعید از ساخته و بافته استخباراتی های جهانی نیستند، و مصداق آن کمیته ۳۰۰ اثر جان کولم است. و پاره جدا شده از اسلام یعنی جهاد در شکل ارزش، نه خود ارزش، منبع تغذیه آنها بر تزریق و شکار افکاری بدوی جوامع مسلمین الخصوص و اکنون افغانستان، البته در باب مبدل شدن ارزش به شکل ارزش چنین گفت: مثلاً هر آیه قرآن به منظور کلام حق خود جز عبادت است که استعانت یا خضوع و خشوع از مجرای قلب در هر رکن از دین یا نیت عبارت از سنگ بنای که سرشت دین است و آنرا می توان اخلاق و جوهر دین گفت، و باری این نیت تغییر ماهوی کند به منظور ابزار دین و رسیدن به قدرت دنیایی، هر ارزش دینی به شکل ارزش مبدل شده و جامعه را چنان در تباهی قرار می دهد که افغانستان کنونی و قرون وسطا غرب دو مصداق آنست.

پیمان وستفالی ۱۶۴۸ و آغار دیپلماسی بستر مناسب به جهاد اکبر یا تحقیق و پژوهش دانشگاهی از مجرای اولین پیام الهی در اسلام اقراء است، که خدا خود را کنز مخفی گفته، و این تحقیق و پژوهش سرشت انسانی انسان، در مقابل دیو صفتی و دیو سیرتی چون ترور، گشتار و خونریزی که سیاست مدرن و دموکراسی با رعایت ارزش های حاکم جامعه افغانی را رقم زد، و عدالت اجتماعی را تامین که در نسل امروزی افغانستان توانایی آن محسوس و ملموس است.

از انجاییکه برابری و آزادی بیان دو سنگ بنای سیاست مدرن است و در عقیده اهل سنت هم کسی معصوم نیست، پس مولفه های مردم سالاری و ارزش های اخلاقی و معنوی دینی در بابت حکومت رانی و دولت داری، توسط تحقق و

پژوهش های علوم انسانی می تواند بگرنج بودن سیاست افغانستان را رها گشا باشد، و نقطه پایان به دو نظریه وارداتی یعنی دین ستیزی دوره کمونیستی و افراطیت دینی که آغازش دهه نود توسط امپریالیسم غربی به هدف تضعیف قدرت شرقی، هر گروه از اسلام گریان را تاسیس و تقویت نمودند و مردم ما به مثابه چوپ سوخت، و اکنون این گروه ها به معضل مبدل شدند که امنیت منطقی و جهانی در خط قرمز زیر تهدید دارند.

در نتیجه مفهوم عمیق از جهاد خود رسالت در ایجاد و تاسیس مولفه های سیاست مدرن دارد و بلکه از شکل این ارزش در عقب ماندگی جامعه استفاده ابزاری شده است، که یگانه راه حل بنیادی برای صلح دایمی و دولت مدرن در حیطه اصول سیاست مدرن، تطبیق تحقیقی ارزش های جامعه با مولفه های مردم سالاری است، که نه تنها جوابگو نیازی مندی های عصر حاضر و نوآوری های روزافزون دنیایی است، بل متجلای از اعجازی قرآنی نیز شمرده می شوند، و اکثر کشورهای اسلامی که در حال توسعه از بحران قرار دارند، این راه را سیر نموده اند.

مقدمه+ سیر منطقی= نتیجه

مقدمه: اصول حاکم از منابع دینی و نظریه ها و دکترین غربی در ایجاد دولت مدرن+ سیر منطقی: تطبیق اصول با مولفه های دولت مدرن= نتیجه: تسوید یا پیش نویس نظام آینده که بایست درج افکار عمومی گردد و اعضا جامعه به خودآگاهی حقوق شان برسند تا دولت مدرن را تاسیس و به رعایت آن تکلیف دایمی به دوش دولت بگزارند که همانا حاکمیت قانون و یکی از لوازم آن مسوولیت دولت است که بایستی پاسخگو باشد.

پس آزادی: کشمکش ها و نزاع های طبقاتی درون کشوری است و اعلامیه ها سازمان های بین المللی و نهادهای مردمی کشورهای جهان اول محرکه آن آزادی که هرگز آزادی از عناصر بیرونی در داخل کشوری نمی تواند نهادینه شود.

روح آزاد انسان!

رمز و معمارا' کشف و کلیدش باش
در گناه بی تقصیر' مقصرش نشانند
عزم سوی اصلش' نسب هم پرده است
گوهر نیابی' گر کاوش خود باشی
کز قید سال و ماه' حال را زگرو امان
عقل و تجسس' میمرد زکم آبی ها
کز تشنگی حال' عمر عبد پایدار

عاشق بمعشوق' یا معشوق قمر باش
زاده بی نکاح را' محروم چرا خوانند
روحست جوهر' خون پوست ضرورت
خود را او بینی' هم انس و ملک باشی
هر تپش قلبت' خالق جمله زمان
ای گم گشته خود را' در اصلت جویا
فقیری در تجسس' هدف چو در تیر



محمد آصف فقیری

پژوهشگر علوم سیاسی و مطالعات فلسفه و عرفانی اسلام